



مقایسه حقوق بشر اسلامی با حقوق بشر غربی / مبنای فکر توحیدی با اومانیسم تفاوت دارد

مبنای فلسفی و عقیدتی بسیاری از اصولی که به نام حقوق بشر مطرح می گردد و حتی مفاهیم برخی از این اصول از دیدگاه اسلام...

حقوق بشر از دید اسلام؛

مقایسه حقوق بشر اسلامی با حقوق بشر غربی / مبنای فکر توحیدی با اومانیسم تفاوت دارد

خبرگزاری مهر- مبنای فلسفی و عقیدتی بسیاری از اصولی که به نام حقوق بشر مطرح می گردد و حتی مفاهیم برخی از این اصول از دیدگاه اسلام با آنچه که در تفکر غربی تحت همین عناوین ارائه می شود متفاوت و احياناً فاقد مشترکات اصولی است. درباره حقوق بشر از دیدگاه اسلام تا کنون مقاله ها و کتاب ها نوشته شده و سخن فراوان رفته است و برخی از نویسندگان و گویندگان به مقایسه این حقوق با حقوق بین الملل بشر اسلامی مخالفند و می گویند بشر، بشر است. اسلامی و غیر اسلامی ندارد؛ حقوق بشر یکی است و آن همان حقوق بین المللی بشر در عصر حاضر است و ذکر دیگر انواع حقوق بشر و تلاش برای تحمیل یک نوع از حقوق بشر هدفی جز نقض حقوق انسانی ندارد ولی می توان گفت که سخن بالا یعنی نفی دیگر تفکرات و ایده ها درباره حقوق بشر بر همه ملت ها و اقوام و فرهنگ ها و تمدن ها، خود بر خلاف حقوق بین الملل بشر است.

از سوی دیگر برخی در توضیح حقوق بشر از دیدگاه اسلام، صادقانه می کوشند تا نشان دهند که حقوق بشر از نظر اسلام تفاوتی با مواد مندرج در منشور بین المللی حقوق بشر شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب 1966، ندارد و این دو کاملاً بر هم منطبق هستند. برخی نیز با انتقاد شدید از اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقایسه آن با اصول و احکام مذهب سعی در اثبات این نکته دارند که این اعلامیه ناقص و ابتدایی و در برابر ارجحیت و ممتاز بودن احکام مذهبی فاقد کارایی است.

اشتراک یا افتراق؟

اما در این رابطه باید به چند نکته توجه داشت، ابتدائاً آن که حقوق بشر در معنای کلی آن در پی گسترش آزادی عقیده و بیان و ترویج احترام به تنوعات فرهنگی است و باور به وجود افکار متفاوت و دگرترین های گوناگون در رابطه با حقوق بشر خود جلوه ای از این امر است، همانگونه که در نخستین سطر مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز آمده است: «#171؛ شناسایی حیثیت ذاتی همه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد»؛

بنابراین وجود روایت های گوناگون برخاسته از ریشه های فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی گوناگون نه تنها امری مذموم نیست بلکه واقعیتی در عرصه جهانی است و باید از سوی کسانی که مدعی حمایت از حقوق بشر جهانی هستند مورد حمایت قرار گیرد. به عبارت دیگر جهانشمولی حقوق بشر نه به معنای یکسانی استانداردها و قواعد این حقوق که ناشی از علاقه تمامی فرهنگ ها و تمدن ها به این موضوع می تواند باشد.

از سوی دیگر هنگامی که مفاهیم حقوق بشر در بستر تعالیم اسلام مورد بررسی قرار می گیرد باید نکاتی را به عنوان پیش فرض در زمینه تبیین مبنای و مفاهیم حقوقی مد نظر قرار داد، زیرا بی توجهی و یا بی اطلاعی از این پیش فرض ها و مرزبندی ها در بسیاری از موارد موجب گمراهی و انحراف از تعالیم واقعی اسلام می شود و از سوی دیگر این شائبه را ایجاد می کند که هدف از طرح مفهوم حقوق بشر اسلامی نقض آن چیزی است که امروزه به عنوان حقوق جهانی بشر مورد قبول است، بنابراین در ادامه (قسمت بعدی) به ذکر برخی از این مقدمات پرداخته می شود.

سه مقوله اصلی برای مقایسه حقوق بشر اسلامی با حقوق بشر غربی

1- مبنای فلسفی و عقیدتی بسیاری از اصولی که به نام حقوق بشر مطرح می گردد و حتی مفاهیم برخی از این اصول از دیدگاه اسلام با آن چه که در تفکر غربی تحت همین عناوین ارائه می شود متفاوت و احياناً فاقد مشترکات اصولی است. به عنوان مثال در رابطه با تعریف آزادی می توان به این تفاوت ها پی برد. اساساً هدف از بعثت تمام انبیاء در جهت رسیدن انسان به حق آزادی و رهایی از زیر سلطه ستمگران و ظالمان بوده است و تعریف اسلام از آزادی شامل رها شدن از بردگی و اطاعت غیر خدا می شود. در حالی که آزادی در دیدگاه حقوق بشر غربی بیشتر به معنای آزادی انسان در انجام هر آن چه که می خواهد فارغ از هر قید و بند آمده است. به عبارت دیگر حقوق بشر از دیدگاه اسلامی حقوق الهی است که منشأ اصلی آن وحی است و قواعد آن از طریق دریافت مشی الهی از منابع اسلامی مشخص می شود در حالی که حقوق بشر در غرب برخاسته از حقوق فطری و طبیعی است و راه دستیابی به آن از طریق عقل

2- برای کسانی که حتی مختصر اطلاعاتی از اسلام و تاریخ آن دارند روشن است که بحث حقوق بشر از دیدگاه اسلام صرفاً یک بحث انفعالی و تطبیقی نیست و دلیل طرح آن به صورت امروزی این نیست که در برابر اندیشه های حقوقی و سیاسی غرب تفکر مشابهی را به نام اسلام مطرح شود و یا صرفاً در مقایسه دو دیدگاه، دین اسلام از عقب ماندگی تبرئه شود زیرا اصولی چون کرامت انسان و آزادی و مساوات و برخورداری از امنیت و دفاع مشروع و تأمین اجتماعی و تعلیم و تربیت و نفی اکران و اجبار و حمایت از حقوق زن و کودک و محرومات جامعه و احترام به مالکیت و دیگر مفاهیم حقوق طبیعی و فطری و قرار دادی انسان از مفاهیم و مقوله های حقوقی و سیاسی آشنا در فقه و تاریخ اسلام است.

بدون شک با مراجعه با نصوص اسلامی و تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی در طول پانزده قرن می توان به وضوح به این حقیقت پی برد و وجود یک تصور و اندیشه مشخص اسلامی در زمینه مسائل حقوق بشر را دریافت . وجود قواعدی در رابطه با حمایت از انسان در زمان جنگ و صلح از ابتدا در اندیشه اسلامی وجود داشته است و برگرفته یا الهام گرفته از حقوق بشر غربی نیست. بنابراین در زمان حاضر نیز برای استخراج و اعمال این اصول و قواعد حقوقی لزومی به مراجعه به منابع غربی نیست، بلکه منابع اصیل اسلامی همانند قرآن و سنت می توانند برای حمایت از حقوق انسان مدرن در جوامع اسلامی مورد استفاده قرار بگیرند. این ارجاع به منابع اصیل اسلامی می تواند مشکل تناقض میان حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر بین المللی را نیز مرتفع سازد.

3- اندیشه حقوق بشر در اسلام بر مبنای تفکر توحیدی است و نه اومانیسم، آنگونه که در تفکر غرب دیده می شود بر اساس تفکر فلسفی اسلام، انسان یک موجود خود آفریده و مخلوق فعل و انفعالات کور و کر طبیعت و به طور کلی یک موجود مستقل نیست.

انسان مخلوق خداوند علیم و حکیم و تابع قوانین کلی آفرینش و اراده تکوینی خداوند است که در عمل نیز باید از اراده تشریعی خدا پیروی نماید. مفهوم اختیار و آزادی انسان همانگونه گفته شد در تفکر اسلامی مطلق العنان بودن بشر نیست. انسان می تواند در برابر سنن آفرینش و قانونمندی حاکم بر جهان مقاومت کند و در زندگی فردی و اجتماعی از قوانین الهی سرپیچی نماید.

انسان در انتخاب این دو راه که در منطق اسلام به ضلالت تعبیر شده هیچگونه مانع و رادعی از نظر تکوینی ندارد ولی آنچه که در این وادی آزادی انسان را محدود می کند احساس مسئولیت و تکلیف است. در تفکر اسلامی انسان آزاد ولی مسئول شناخته شده است و میزان مسئولیت انسان است که حدود آزادی او را تعیین و مشخص می کند.

البته در این رابطه باید توجه داشت حقوق بشر جهانی 171؛ ضد دین؛ را نیست بلکه بر عکس به دین احترام می گذارد و در بسیاری از اسناد حقوق بشر بین المللی به احترام به ادیان اشاره شده است و تفسیر های ضد مذهبی از این حقوق با مفاد و نیز با روح حقوق بین الملل نشر مغایرت کامل دارد اما این حقوق از قوانین هیچکدام از ادیان به شکل مشخص حمایت نمی کنند در حالی که حقوق بشر اسلامی برخاسته از شریعت دینی اسلام است و ممکن است در برخی مواقع با مواضع فرادینی حقوق بشر بین المللی در موضع یکسان قرار نگیرد.

به عنوان مثال اعلامیه جهانی حقوق بشر از تغییر ازادانه دین توسط افراد حمایت می کند در حالی که مسئله تغییر دین در اسلام امری مذموم و ناپسند است و در برخی از شرایط ممکن است مجازات نیز به دنبال داشته باشد. اما برای درک مبانی و اصول حقوق بشر از دیدگاه اسلام هم می توان به نصوص دینی و منابع اسلامی مانند قرآن و سنت مراجعه کرد و هم به متن مدونی که تحت عنوان اعلامیه اسلامی حقوق بشر در اسناد بین المللی به ثبت رسیده است.

با توجه به مبانی و منابع اسلامی می توان گفت که بی تردید از دیدگاه اسلام انسان موجودی ارزشمند است که باید به عنوان یک موجود با شعور و دارای اراده و اختیار به دید احترام به او نگریست. آزادی بشر و احترام به حقوق و حیثیت ذاتی انسان و دخالت ندادن عوامل عارضی از قبیل نژاد، زبان، رنگ، ملیت و غیره در اعتبار و امتیاز برای انسان ها، دقیقاً مورد توجه اسلام است و اساساً فلسفه بعثت پیامبران و به خصوص پیامبر اسلام(ص) است. (حجرات آیه 13) برابری و عدم تبعیض نژادی و قومی بارها در متون اسلامی و تاریخ اسلام تکرار شده است، چه آنجا که میزان برتری در میان انسان ها تنها 171؛ تقوی؛ را مشخص می شود و چه در زمانی که امام علی(ع) به عنوان حاکم جامعه اسلامی، خود را در جایگاهی برابر با فردی یهودی در مقابل دادگاه قرار می دهد.

از سوی دیگر اسلام دو جنس زن و مرد را دو گوهر انسانی می داند و در شرافت و کرامت بشری تفاوتی بین آنها قائل نیست؛ به تعبیر قرآن هردو از یک منشأ بشری به وجود آمدند و خطابات مربوط به ارزش ذاتی انسان، شامل زن و مرد می شود.

در بعضی از آیات تصریح شده که برای ارتقاء و کمال انسانی در سایه کار نیک و ایمان و اعتقاد صحیح مرد و زن یکسان هستند. 171؛ من عمل صالحاً ذکراً و انثی و هو مومن فلنحییه حیاة طیبیه و لنجزینهم اجرهم...؛ (نمل 97؛ نساء، 124، آل

عمران 194، غافر 44) برخی این انتقاد را به حقوق بشر اسلامی وارد می دانند که در برخی از قواعد مانند ارث و دیه و شهادت اسلام حقوق متفاوتی را برای زنان و مردان در نظر گرفته است اما علمای دینی در پاسخ استدلالاتی را مطرح می کنند و این تفاوت را نه ناشی از خلقت و ذات متفاوت که ناشی از وضعیت اجتماعی و فرهنگی اعلام می کنند.

به عنوان مثال در رابطه با دیه گفته می شود، هدف از پرداخت دیه جبران خسارت مادی وارد بر خانواده قربانی است و از آنجا که مردها به طور عرفی و سنتی نان آور و تأمین کننده اقتصاد خانواده هستند، بنابراین فقدان آنها خسارت بیشتری را به خانواده وارد می کند. این توجیه هر چند که پیشینه دینی ندارد اما نشان می دهد که با وجود چنین دلایلی عقلانی برای احکام اسلامی امکان تجدید نظر و تغییر را با تغییر اوضاع و احوال دور از ذهن نیست.